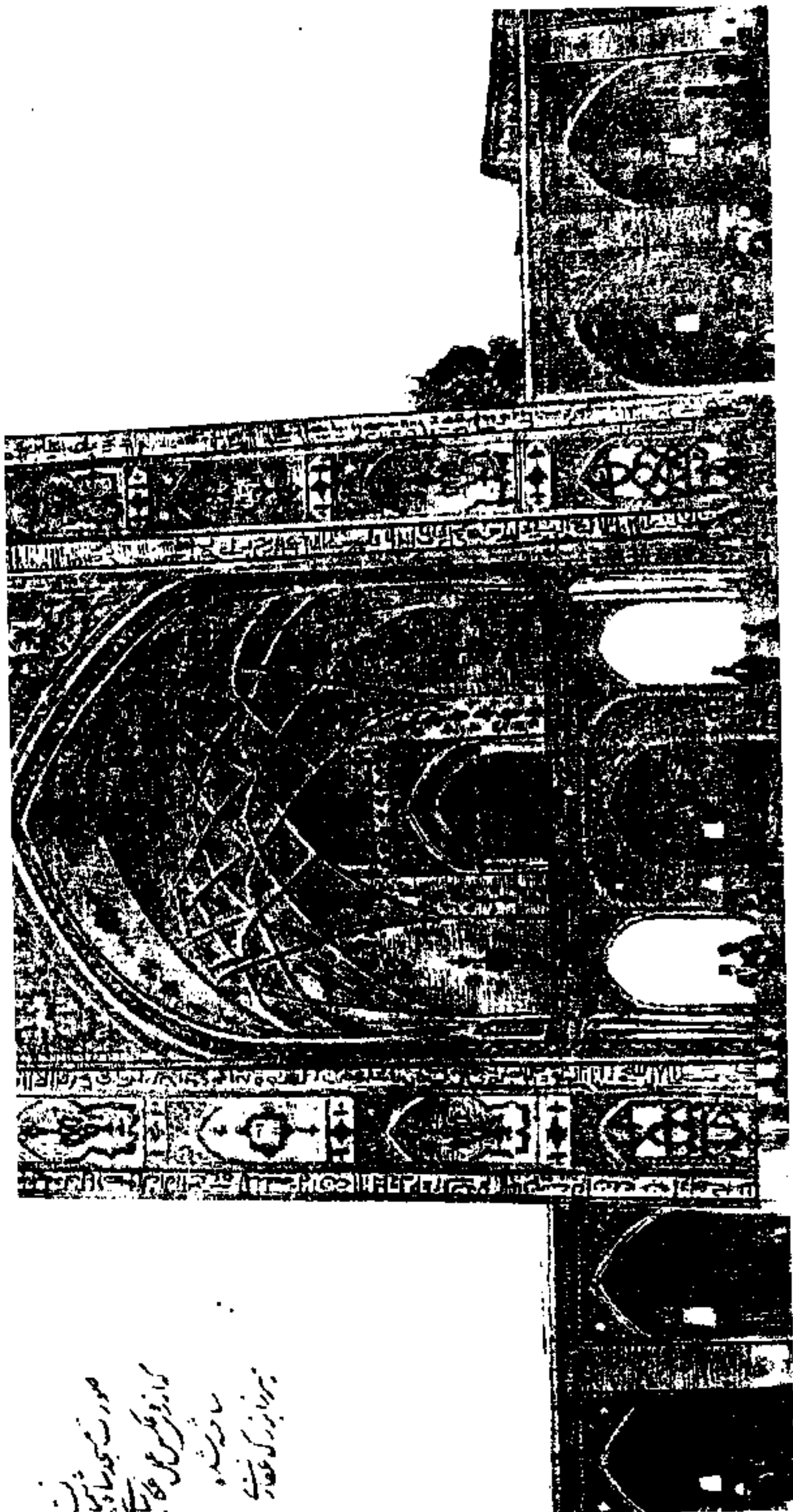


و بهم درین روز چای پاری از خراسان و چای پاری زدارا کلا فیه در سید غرا  
 سپهسالار اعظم سردار کل و سایر وزرا از لحاظ نظر نوبت یون گذشت حکام  
 سینیه در جواب سیر یک شرف نفاذ یافت سه ساعت بعروب مانده دست  
 والا صفات شایسته بی بزم تفریح و سیاحت محلات و مساجد و غیره شهر  
 سمنان تشریف فرما شدند و اول مسجد شاه توجه فرمودند حاجی سید ابراهیم  
 متولی مسجد که از نجیب و اولاد شهر و مردی با کنت و ثروت است با تمام علماء بلد  
 در مسجد حاضر شده لوازم پذیرائی را معمول داشتند سرکار اقدس بان سیر یک  
 از علماء نجوی خاص اظهار رحمت فرموده و با ثناء ایشان مسجد جامع را نیز  
 ملاحظه فرموده حکم تعمیرات آنجا فرمودند و از محله لتی بار عبور کرده کوچها و باغات  
 تا سمت دیگر شهر که متعلق خیرام نواب علییه عصمت الدوله و معیر الممالک بود تفریح  
 فرمودند و در اینجا که مکانی بسیار باسفا و صطخر می پرآب داشت اندک وقتی  
 محض اظهار التفات بسرکار عصمت الدوله و ملاحظه اصطخر مکث فرموده بعد  
 باره و آمدند و از دروازه ارک بمقر سلطنت عظمی تشریف مبارک از زانی داشتند  
 مسجد شاه سمنان از بناهای خاقان خلد شیخان و مسجدی بزرگ عالی دنیا



صورت سجدہ نما  
کہا در عرس گل گلستا  
ساقی نشانی  
بہار بوز کہ عشق



وضع حجرات و طاقها و شبستانها کما تجا مسجد شاه دارد بخلافه که بجهت این  
خاقان مغول است مشاهرتی نام دارد مسجد جامع که محتاج تعمیراتی است  
بند دارد و وضع او بوضع مساجد اهل سنت شبیه است و قفاز این مسجد که در دو  
محاوک بدیوار نصب است تاریخ بنای مسجد را معلوم نمیکند که در سنه ۱۰۰۰  
یکصد و سیزده نباشد است ششمین نام و در نظر مبارک پادشاه  
سیار نیکو و مستعد آبادی آمد زیرا که اولاً کوچه‌های آن اغلب وسیع و باهنای  
و اشجار و نظیف بودند و در هر فاصله خرفی میدان و یکتیه کوچکی بود که اهل  
زمینت بسته و منقح کرده بودند و انبساط اولاً اسباب پاکلی و نیکلی شهر  
آب و درخت و وسعت کوچه‌ها و پاکیزگی بلی است سمنان که چه رود خانه  
عظیم ندارد ولی همین قدر چند نهروک وسیع که در داخل آن جاری میشود بسیار  
روشن و خوش بویانی شده اند

جمعه پنجم محرم الحرام تشریف فرمان مروکتا یون بمنزل یون  
شاهنشاه اسلامیان پناه یک عت از صلوح کنش تا زارک شهر یون تشریف  
آورده و بکال سکونش تمام وزراء و اعیان توجه ملوکانه نسبت به یون فرمود

چون و نسنگی از راه طی شد و سمت راست جاده در محلی با صفا از برای صف  
 نماز فرود آمدند و پس از آن چون راه قدیمی دره پسته و ماهور و عبور کالسکه غریب  
 داشت سواره تشریف فرما شدند تا از قریه چاشخواران که دهی باد و قنات آبی  
 بس کوآر دارد گذشتند. رحمت الله خان ساری اصلان معروض حضور مبارک  
 داشت که در دره بامی سمت راست و چپ جاده آرقالی یعنی قوچ و میس و شش  
 بسیار است و در اوقات حکومت خود غالباً درین دره شکارهای بسیار کرد  
 پس اعلیحضرت شهریار می بقصد رسیدند از می پست و پد قهار فرمودند که با  
 و ترتیب از جاده بروند و خود با چند نفر سوار و معدودی از عمل حضور مبارک  
 اصحاب شکار بطرف ماهور بامی سمت چپ توجه فرمودند ولی چون سواره  
 شامهون که بواسطه عبور مکرر بلدره و عالم شکارگاه بودند بنام صبح قبل از اردو  
 حرکت کرده و شکارها را متفرق کرده بودند صید می بدست نیامد و از آنجا را  
 که بهوارانی بجله رطوبت و برودتی بود و وقت گذشتت غزم ملوکانه از صید افکنی  
 منصرف گشته در سایه درخت آوین عظیمی باقتضای لطافت و برودت هوا  
 و صفای طبیعی مکان قلیل زمانی مکث فرموده غلیانی کشیدند و ساری اصلان

و محمد زمان پاک تفنگدار خاصه را بطب شکار فرستادند و خود تفریح کنندگان  
تا مرز خدر رویان که یکی زمراغ سمنان است و قلعه کوچک خراب و صخره و قنات  
آبی دارد تشریف آورده و از برای دای نماز و صرف رنج و الار ساعتی در سر <sup>صحنه</sup>  
فرود آمده بعد از مسکشی اختصارا لدوله نشسته بطرف اردو را ندید چون راه  
قدری زبردست در واقع افتاده بود یک ساعت بفریب ناز و منزل بسیار  
ذاکرین سخن زمبنا که وقت ذکر صحبت کردند و سرکار ظل اللاد و شب  
زودتر از رسم سایر ایالتی غنودند

از سمنان با حیوان شمش فرسنگ را در میان سمت شرق است در مقابل سمنان  
جبلد است که کمال مشابست را بکلک دوستان چند واقع در سمت شرق در آنجا  
یعنی بهمان قسم کوچکی می شناسی کوچکی در وسط در دو طرف و نیز بویستان  
حق در سمت راست این جبلد فغانی است که گوید در محال قنات هاشم با و امین خواجه  
واقع شده و در سر این قنات مرحوم و محمد سمنانی بسیار می ساری ساحته و پله ناز و قنات  
داوه که باب قنات میرسد و از برای قنات اولی و عابرین بسیار می رسد  
ازین جبلد با حیوان را همه جا رو به بلندی می رود و تا پیشی برود مانند کوه چلی می شود که اول

و اصحاب شکار سمیت چپ رانده و از دره عظیم گذشته در جلگه آن سمت در  
فرود آمده سمیت سواران و شکار دوانان دورین انداختند و امر فرمودند که  
آتش بر فروزندگان سواران شعله آتش از دور مشاهده کرده از بقوه حرکت کنند  
بنوازیشان نزدیکی ناکشته و از بود و نابود صید خبری نبود که بادی تند وزیدن  
گرفت و بارانی سخت بیاید علیحضرت بجایون انغزم شکار منصرف گشته و حکم  
بمراجعت فرمودند متقارن این حال ابوان بسیار از دامنه دشت بیکجا زمین مار  
و سواران از بهر سو بدیشان آتشی بسیار از آنها را صید نمودند و دو یوز پلنگ  
که از مهابت سواران شجاعت کسبی فراموش کرده و با ابوان در فرار بیم دوش  
شده بودند از چنگال یوزباشیان پلنگ غیرت شو نشدند و روزی هر دو صید نمودند  
بخصوص مبارک آورده و از انعام واحسان بجایون دلگرم و شیرگیر شدند  
بغروب نمانده سرکارهایونی باردوی بجایون تشریف فرما شدند شیخ محمد حسن  
پسر مرحوم حاجی ملا محمد جعفر که از زیارت مشهد مقدس مراجعت نموده بود بحضور مبارک  
مشرف شده مورد عواطف خسروانی گشت و اگر آن برسم هر روز به سپر پرده آمدند  
و ذکر مصیبت کردند از ابوان بقوشه بخت و ننگ راه مشرق شمالی است

سمت چپ جاوه بفاصله یکفرسنگ چشمه و درخت پدیت که تبار معروف  
 از اعجاز امام شام من ضامن علیه آف التخته و پشت نما ظاهر شده است و بر کسب  
 اجابت مقصودی رشته از سیمان و امثال آن بدان درخت بسته است  
 از آن جوان بفاصله اندکی راه بصعود است پس از آن تا قوشه همه جا شیب می شود  
 طرف دست راست و چپ بفاصله یکفرسنگ نیم فرسنگ بعضی جاها  
 دو فرسنگ کوه است و فاصله این جبال اغلب کوه دال است و بلند است  
 و در او اقسام نباتات و گیاهها روینده و اکثر از جاها از بوته های قبیح و کز  
 و گل زینق بسیار جنگلی شده که خالی از صفا و استحقاق ثبات است بلکه تودر او  
 در سمت چپ این راه واقع است و بخوبی معروف است قوشه دبی آباد و جمعیتی  
 صد خانوار زیاد دارد کاروانسرا و چاه پارخانه نیز در آنجا موجود است

روز یکشنبه بیستم محرم الحرام تشریف فرمائی مرکب یونان قوشه میران آباد  
 امروز اول صبح هوا بسیار سرد بود و باد دانی شد امیخته با گرد و غبار میوزید  
 بجدی که دوسه آهوار شدت برودت هوا و سخی باد میان اردو آمده گرفتار  
 حکامشکان اعصاب الدوله و ابراهیم خان نایب شدند اعلیحضرت مایونی پس از



و اصحاب شکار سمیت چپ رانده و از دره عظیم گذشته در جلگه آن سمت در  
فرود آمده سمیت سواران و شکار دو آنان دورین انداختند و امر فرمودند که  
آتش بر فرزند سواران شعله آتش از دور مشاهده کرده از بقوه حرکت کنند  
بنویز ایشان نزد یک نشسته و از بود و ناپدید خبری نبود که بادی تند وزیدن  
گرفت و بارانی سخت بیاید علیحضرت بجایون از غم شکار منصرف گشته و حکم  
بمراجعت فرمودند متقارن این حال ایوان بسیار از دامن دشت یکبار میان بار  
و سواران از بهر سو بدیشان آتشند بسیاری از آنها را صید نمودند و دو یوز پلنگ  
که از هجابت سواران شجاعت سبعی فراموش کرده و با ایوان در فرار هم دوش  
شده بودند از چنگال یوزباشیان پلنگ غیرت شوانند بر روز و هر دو صید نمودند  
بخصوص مبارک آورده و از انعام واحسان بجایون دلگرم و شیر کیشند  
بغروب نازده سرکار بجایونی بار دوی بجایون تشریف فرما شدند مشیخ محمد حسن  
پسر مرحوم حاجی محمد حعفر که از زیارت مشهد مقدس مراجعت نموده بود بحضور مبارک  
مشرف شده مورد عواطف خسروانی نکشت ذاکران برسم هر روزه بسیر پرده آمدند  
ذکر مصیبت کردند از ایوان بقوشه بخت و ننگ راه مشرق شمالی است

سمت چپ جا زده بقاصد یکم سنک چشمه و درخت پدیدت که بنا بر معروف  
از اعجاز امام ثامن ضامن علیه آف التحیه و لیسنا ظاهر شده است و مگر بنام  
اجابت مقصودی رشته از ریمان و امثال آن بدان درخت بسته است  
از آن جوان بقاصد اندکی راه بصعود است پس از آن تا قوشه همه جار استیب می شود  
طرف دست راست و چپ بقاصد یکم سنک نیم وزنک و بعضی جاها  
دو وزنک کوه است و فاصله این جبال اغلب کوه دال است و بلند است  
و در او اقسام نباتات و گیاهها روینده و اکثر از جاها از بوته های قبیح و کز  
و گل زینق لبان جنگلی شده که خالی از صفا و استحقاق تماشاست بلکه تودر او  
در سمت چپ این راه واقع است و بخوبی معلوم است قوشه دبی با دو جمعیتی  
صد خانوار زیاده دارد کاروانسرا و چاهها و خانه های در آنجا موجود است  
روز یکشنبه نهم محرم کرام تشریف فرمائی مرکب یونان قوشه پیران  
امروز اول صبح هوا بسیار سرد بود و باد بانی شد همیشه با کرد و غبار میوزید  
سجده می که دوسه آهوار شدت برودت هوا و سختی باد میان رود آمده گرفتار  
کماشکان اعتضاد المدوله و ابراهیم خان نایب شدند علیحضرت یولی سپاه

اندک مسامحتی تپ و وزرا را مخلص فرمودند خود با چند نفری از سمت شمال جاوید  
 سیرکنان بقصد شکار تشریف بردند و در پناه کوهی صرف نهار فرمودند و اسکندر  
 میاوشدی باد مانع از آن شد که وجود مبارک در بنام صرف نهار باشند و چون شکار  
 جز دوسه خرگوش که صید تازیان عهد یقین غلام سچه باشی بود بدست نیامد سرکار اقدس  
 بجای کوشش به تعجیل عازم اردو شدند و ساعتی استراحت فرموده بقید وزرا با شماع  
 مصیبت و ملاحظه بعضی نوشتجات و صدور برخی احکام گذرانند

از قوشه الی امیرآباد دو فرسنگ است طرف جنوب جاده کوه کم و دور و اغلب  
 زمین صاف و جلگه و طرف شمال صحرای کم کیمه و سطح است امیرآباد دبی بزرگ  
 و قلعه محکم دارد و سه سال را اعظم که مالک آنست در او عمارت و باغی بنکوبنا نهاد  
 روز دوشنبه ششم محرم ورود وی کجای بومی شهر دامغان  
 علیحضرت همایون شایسته بیست و یکم صبح قبل از غزمت بجانب مقصد پادشاه  
 قلعه امیرآباد تشریف فرما شد است حکام بنامی قلعه و صفای باغ و طرح عمارت  
 جدید که سه سال را بنا کرده بود پسند خاطر مبارک آمد و عکاسی مامور بدان  
 که عکس باغ و خلوتیکه در این عمارت نباشد و با تمام رسیده بردارد چهار ساعت

از روز برآمده در یک فرسنگی امیر آباد در سر آسیا و کنار نهر آبی با صفا از برای هفتاد  
فروشدند پیر مردی که سن سال نیکو جمال که ز اهل علی آباد و با رعایا با استقبال آمدند  
مخوط نظر مبارک افتاد و با حضارش نشان دیدید و بقیان چون بنجا کسای تعابوت  
مشرف شد و آن رفت و در محبت خسروانی بدید زبان بدعا و ثنای وجود مقدس  
اعلی کشوده و کویا سالها مقرب استمان مهر نشان بوده و بسا حبت و کمالت <sup>خست</sup>  
و شرحی از سابق حال خود معروف شد و ششمی گفت در اوایل سلطنت خاقان مغفور  
حضرت علما ن خاند و مامور بکرمان بوده و اسی زبانها بر اسپم خان بایر و  
نزد حسن خان سردار بر دم و در او اخر سلطنت خاقان مغفور که بسیر کشتی خانه و  
خویش آمد و بودم گرفتار تر کمان شد و به بنجا از هم و تا پنجبال قبل در آن سالت  
با سیری و غلامی بسیر برده تا عاقبت فرار بوطن اصلی خود نموده و در نخل عدا  
و عنایت شایسته بی در جمال رفت و آسودگی غنوده ام و از خداوند همی خواستم  
که بوسیله بجنور مهر ظهورم رساند تا تو سعذ در امر معاشم باشد و بتوانم خود را  
نیک بخت ترین مخلوق بشمارم و بقیه عمر را بعیش و کامرانی بسیر برم چه در زمان  
سابق از عهد خاقان شهید تا اوایل این دولت جا و بدعت بنجا طردارم با

اسباب سعادت خود و عیال جمیع بود بر گزینی آسوده بسر برزده و امید آن نداشتیم که  
 در فردا عیال ما سیرت ز کمان نشود یا اموال و اثقالم بغارت نرود اکنون بعون  
 تعالی و ارتجت بلند پادشاه چنان این حدود در امن و امان است که بکنفر از  
 بدی می رود و شبها و روزها آسوده راحت می کنیم بدون آنکه کمان بریم که ممکن  
 کسی بر ما تبار زیاد است با اموال و عیال ما بسیار است که قدر این نعمت عظیم ندانیم  
 و شب روز مشغول دعای ذات و الاصفات شایسته باشیم عارضین مرد  
 در خاکهای همایون مقبول شاده بی هشیار شکر کرد کار گذاردند که بجز اندک  
 خداوند مسلمانان را در عهد حضرت ایشان بدین خود در عهد امن و امان محفوظ داشته  
 و پیرامعاش سالیان عطا کردند درین ضمن شخصی از دور آمده تعظیم کرده بایستاد  
 شایسته بعلم قیافه که مخصوص ذات و الاصفات است فرمودند این شخص باید  
 پسر شایسته ای خان ملک الشعراء خود شاعر باشد الحق چنان بود و کمالی تخلص داد  
 و قصیده که نگاشته بود معروفه و ضحیه نمود انعام و احسان شد و کاس که زین  
 نشان همایون بسبت دامغان روان گشت این آله در پهلوی کاس که مخ  
 فرمایست علیه بود و بعضی ساینده که محل شهر قورس که اسم آن در تواریخ عجم مسطور است

در صحرائی قوسه واقع بوده و خرابجای آن خطر ایشان و جمعی رسیدند بالاضرفه تحت  
بغروب مانده سواد شهر نمایان گشت و علماء و سادات و صنایف شهر با استقبال  
آمده بودند منظور نظر ملاحظت ترجمایونی و مورد توجهات خاص خسروانی گشتند  
و سرکار بجایونی از کناره شهر گذشته بار دوی مبارک که در سمت شمال واقع شد بوز  
تشریف ورود ارانی داشتند چون بعضی از خیم ز زمین نشان و چادر برخی از چاکر ترا  
در محل زراعت زده بودند خاطر همراه ترجمایونی متغیر گشته یورت چیا ترا بمورد موا<sup>جده</sup>  
و بشیله آورده و خسران زارین را باین الدوله و ظمیر الدوله مقرر شد که تقصیر آورده  
از خزانه خاص عوض دهند و دست و پست و پشتاد تو مان که گو باد و برابر ضرر ایشان  
بود عوض دادند

از امیر آباد بدامغان چهار فرسنگ است و راه مشرق شمالی است امیر آباد  
از شهر آباد زیاده از پانزده فرسنگ بعد از ورود در سوابق ایام فانیب و قاضی  
ترجمان یک شبه از کرکان بدین صفحات آمده و تاخت و تاز کرده مراجعت نموده اند  
صحرائی سمت راست جاده بکوچه های پست سخت که در حاشان کاج و سرو بسیار دارند  
مشئی میشود و سمت شمالی نزدیک است ایشاه کوه و او کویت سلیق که بعضی از نقاط آن

همیشه پرپرست در پشت او بفاصله چند فرسخی اول صحرای کرکان و استرآباد است  
و در دامنه جنوبی و غربی آن چشمه علی دامغان واقع است و کوه و دامنه آن از دو  
نمایان است و سردر دامنه این جبال قبل از مجازات بدامغان چشمه آبی جاری است  
مشهور بچشمه فرخار که قریب دو فرسنگ آب دارد و دعات خالصه غیره از آن  
مشروب میشود از امیرآباد بدامغان اغلب معمور و آباد است و دعات معتبره  
دارد چنانکه اسامی آن مندرج میشود

قرا، واقعه در سمت شمال بدین تفصیل است

سعیدآباد مخروب است اسمعیل آباد ملک اولاد مطلب خان و فی الحقیقه  
آباد است منصورآباد دهی بزرگ نصف آن خالصه و نصف اربابی و از  
فرخار مشروب است یحیی آباد ایضا با المناصفه خالصه و اربابی است  
شیرآشیمان علی آباد ملک حاجی قاسم خان پیر مطلب خان  
عوض آباد رضی آباد ملک آقا محمد دانی آهویان و متعلق باین عمده  
مزرعه شیربند دو فرسنگ از جاده دور و در دامنه کوه واقع است  
قرا، واقعه در سمت راست

سید آباد مستغرق میرزا عبدالقادر خونی اسمعیل آباد مخروبہ حجاجی دوست

آباد ملک قاسم خان و سایر ورثہ امام مور و یحسان است و سابقاً زیادہ پر پانصد

خانوار رعیت و قلعہ محکم و خندق و حمام و بازار داشتہ ولی حال بد آن شد

معمومیت بلکہ اغلب بنامی او خراب است در سمت جنوب این قریہ باغیست

بسیار بزرگ معروف بیابغ پستہ کہ در حثان پستہ بزرگ کہن بسیار دارد

ورکیان ہمدی آباد عمیر آباد ملک سیف الدین میرزا جعفر آباد

ملک ظہیر الدولہ قلعہ زرد

## روز نهم محرم توقف اردوی ہمایون در دہمنغان

سرکار عالی حضرت ہمایون شاہنشاہی بملاحظہ آنکہ در سچوقت ہر سچ قسم تقویٰ

در ملاحظہ عراض و زرا و تعطیل و رصد و احکام جایز نمیدانند با آنکہ امر روز و

تا سو عابودوبی نہایت مخزون و طول بود بعد از اتمام تقریب داری غرض

وزیر امور خارجہ و مستوفی الممالک و دیگر از ملاحظہ فرمودہ و در جوابت ہر

فرمایشات و او امر طوکانہ شرف نفاذ یافتہ بین الممالک امر شد کہ چا پارہ

بزودی مراجعت دہد از جملہ اجناری کہ از دارا نکلا و معروض خصوص مبارک



آمدن سیل عظیم و خرابی خانهای بیرون دروازه شانزده عبد العظیم و کود  
 زنبورکخانه و غیره بود و حسب لام مقرر شد که مستوفی الممالک در حق فقرا و  
 ضعفا نیکه خانه ایشان منخدم شش ماه عانتی بکنند و هماران و معتمدان را امر نماید  
 که در علاج این واقعه کوششند و قسمی نمایند که سال آینده از سیل آسیبی بشهر و اطراف  
 آن نرسد امشب اهل اردو تمام پدرو سو کو اربودند از هر کناری صد  
 افغان و زاری بلند بود و سرکار اقدس همایون شاهنشاهی نیز با تصحیح پدید  
 مانده و آسوده نبودند

## روز دهم محرم توقف دومی همایون در دامغان

از آنجا که بنای امور عالم و آدم با فاضله فیض از انتمه هدی و توسل باین سلسله  
 عظمی است درین روز علیحضرت همایونی که توکل کلی تمام و اخلاصی بالاکلام بخانواده  
 حضرت سیدالانام صلوات الله و علیه السلام دارند تمام اوقات شریف را  
 در بحال طلال بلوارم تعزیت داری صرف فرمودند ساکنان حرم  
 جلالت و خدام دربار معدله را نیز هر یک فردا تا آنتی بذات شریف  
 اقدس همایونی نموده در هر گوشه از صدای گریه و زاری غلغله در اطراف افکنند

بسبب پادری نبود که در او ذکر ماتم نشود یا اطعام مساکین نکنند بربک و زرا  
تیکه جداگانه برپای کرده سینه زنان و نوحه کران در آنها جمع بودند و سترهای چاکران  
عم از فراش و سر بارتی از غلام بچه کان و خانه شاگردان و اهالی شهر بسته و بسته  
و جوقه جوقه شسته بربک بطریق کتلی بسته و اول سینه زنان و نوحه کنان برمی که  
از قدیم معمولست با خطیب بسیار پرده بجایونی و حضور عنایت دستور شد  
شسته بعد بسیار چادرها و اطراف اردو رفته تا شام مشغول مذبحه گری و سینه  
و دعای و جود مبارک شام شاه بودند آنحق کو یا از زمان شهادت حضرت  
خامس آل عبا علیه السلام تا کنون کسی این نوع تفریت داری پریا و از رو  
اخلاص و صفان دیده بود

روز یازدهم محرم و آخر توقف اردوی کیوان شکوه در دامغان  
عزم ملوکانه که بمواره مایل سیاحت و تفریح و علم و بصیرت بحالت اطراف  
و اکنافست امروز مقتضی آن شد که سیاحت چشمه علی و امغان که از چشمه تا  
مشهور و از انبیه معموره است تشریف فرما شوند در اول صبح جمعی از چاکران  
خاص چون عتضاد الدوله و تیمور میرزا و امین الملک حاجب الدوله و میباشی

ظفران و آقا علی و ساری اصلان و میر شکار و میرزا علی خان و محمد تقی خان پختگی  
افشار و سایر پیشگامان سواره حاضر در بارش مذکور شاه شاه با عدل و داد و است  
کهر خانه زاد سوار شده چون هوای بجمه صرار فی داشت بعد از طایف مذکور  
بدر شکر کوچکی که در سفر با زندان همراه بود و در راههای صعب و سخت امتحان  
شد و نشد محمد رحیم خان زند میرزا شیخ زین العابدین خان رتبه شامیان  
با سواره دو سیرن که روز قبل از دارا نکلان رسیدند بار دوی همایون محو شد  
بودند از سان حضور مبارک که نشد و چون محمد رحیم خان در خاکهای همایون  
مانوس است مورد التفات مخصوص شد و سواره دو سیرن پسند خان  
مبارک امش دیگر نما زار دو کشته یکی از علما مان مخصوص ابو جمعه میر شکار  
آمده بعضی سارینکه در راه پور نامی سمت چپ شکار بسیار است و در چند جا  
امو خوابانیده ایم نظر بانیکه هوا شدت گرم شده بود و وجود مبارک حجت واد  
می آمد از شکار صرف نظر فرموده یکسره بپوشه شریف فرما شد پس از مثال  
نهار با قضای نراهت مکان و حضرت اشجار و صفای انهار به هنگام عصر  
مشغول صحبت و تفریح عمارت شدند و هنگام عصر بعد از اتمام نماز و صرف

سواران در راه بارش مذکور شاه شاه با عدل و داد و است کهر خانه زاد سوار شده چون هوای بجمه صرار فی داشت بعد از طایف مذکور بدر شکر کوچکی که در سفر با زندان همراه بود و در راههای صعب و سخت امتحان شد و نشد محمد رحیم خان زند میرزا شیخ زین العابدین خان رتبه شامیان با سواره دو سیرن که روز قبل از دارا نکلان رسیدند بار دوی همایون محو شد بودند از سان حضور مبارک که نشد و چون محمد رحیم خان در خاکهای همایون مانوس است مورد التفات مخصوص شد و سواره دو سیرن پسند خان مبارک امش دیگر نما زار دو کشته یکی از علما مان مخصوص ابو جمعه میر شکار آمده بعضی سارینکه در راه پور نامی سمت چپ شکار بسیار است و در چند جا امو خوابانیده ایم نظر بانیکه هوا شدت گرم شده بود و وجود مبارک حجت واد می آمد از شکار صرف نظر فرموده یکسره بپوشه شریف فرما شد پس از مثال نهار با قضای نراهت مکان و حضرت اشجار و صفای انهار به هنگام عصر مشغول صحبت و تفریح عمارت شدند و هنگام عصر بعد از اتمام نماز و صرف

و عصرانه بارد و معاودت فرمودند و عکاس با سق، مور شد که عکس عمارت

و چشمه را بردارد

از دامغان و چشمه علی چهار فرسنگ است و راه همه جار و شمال مغربی و از کن

رودخانه است که سبب جنوب می آید منبع این رودخانه چشمه علی است و متدا

لهای دیگر نیز سیلاب خیره بدو افزوده شده و اغلب اوقات قل آلود و

سرسبب و زمین آن دره تا بلکه دامغان و بشهر آمده و بعضی از قراب سونین طر

شهر از این آب مشروب میشود سمت غربی رودخانه کویت مرتفع و کوه

بمعروف میان عوام لند و برین سعد و قلعه آن کوه در فونت و در ق

کوه دیگر است مرتفع و مخروطی شکل موسوم بشاه بدار یا شاه بزرگ و بنا بر قول

مملکت دو سنج کباب ز قندهار نیام در زیر آن کوه موجود است و آنها پنجه

پس شده در زمان تشریف فرمائی حضرت امام شامین علیه السلام بطرف مشرق

از باریق تپه نما آنحضرت بکار رفته و تاکنون باقی مانده است در دامن این جبال

قریه آهوانواست که دره ای آباد و معتبر و خزر اعظم آن خالصه دیوان اعلی است

در سمت شرقی رودخانه کوه منصوب شاه نمایان است و او کویت بزرگ و سیما

این کوه در فاصله ۱۰ فرسنگ از شمال مغربی و از کن رودخانه است که سبب جنوب می آید منبع این رودخانه چشمه علی است و متدا لهای دیگر نیز سیلاب خیره بدو افزوده شده و اغلب اوقات قل آلود و سرسبب و زمین آن دره تا بلکه دامغان و بشهر آمده و بعضی از قراب سونین طر شهر از این آب مشروب میشود سمت غربی رودخانه کویت مرتفع و کوه ب

زنگ و مزرعه در دامن آن واقع است و نزدیک بجاده نیز کوهی است  
موسوم به پروتکار و او کوهست مرتفع و خوش اندام و در قلعه آن قلعه ازین بنا  
سلف است که بروج و دیوارهای بسیار محکم آن هنوز باقی است نزدیک بگرد  
چشمه علی که کرده کوچکی است عمارت چشمه از آنجا نمایان است قریه استمانه است  
و این قریه شتمل است بر باغات متعدده و اشجار بسیار که همیشه با ثمر و پر بارند  
در جنوب چشمه تپه خاکی است و قلعه کوچکی بر آن بنا کرده اند که مسکن چند خانوار  
سادات متولی چشمه است

عمارت چشمه علی از بناهای خاقان خلدیشیان و موقوفه حضرت قائم آل  
محمد صلوات الله و سلامه علیه است این چشمه با من مغرب و جنوب از پای تپه خاکی  
جاری است و آنچه بنظر رسید درین فصل که او اضر به ارضت پشتر ازین سنگ  
آب دارد در مخرج آب تحت کوچکی ساخته و سنگی بر آن نصب است که عقده  
عامه محل اسم حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه است و مردم  
اطراف و زوار و قوافل زیارت این سنگ آمده آب در کودی آن ریخته شسته  
صحت بدن و حوائج دیگر میوشند العلم عند الله خاقان خلدیشیان درین چشمه

اما رغایه باقی گذشته است چنانکه عرض میشود در محاذات فوران آب حوض  
بزرگ ساخته شده که باب چشمه مملو و با کمان صفا و پاک جاریست و در میان آن  
یک نوع عمامی خاصی که خالهای سیاه دارد تویید شده و چون بالای آن اطراف صید  
اورا کرده داشته اند ما همیها بسیار عظیم اجته شده اند اطراف حوض درختها  
قوی زیند و سنوبر و چنار و غیره است که بحالت طبیعی شاخها کشاده و در هر طرف  
در کمال شکوه و صفاسایه افتخده در سمت غربی عمارتی عالی بنا شده هشت من بنا دارد  
و در جنبین آن طاقهای متعدده خوش طرز ساخته شده است آب چشمه از دو  
آن عمارت بگریان دو نهر عمارت را از حیاط جدا کرده است و راه عمارت بدو چو  
منحصر است که از حیاط اول وارد این عمارت را خاقان مغفور در ستند و دست میفند  
که سمت ما و راه النهر غربت داشته بنا کرده اند تاریخ و سبب بنا نظما و شرآ  
در دو سنگ محکوک و بدو سمت تالار نصب شده و شرح آن ذکر خواهد شد  
در سمت جنوبی این حیاط مسجدی بنا کرده اند که عرضنا و طول او و طاق و شهاب بحرالی  
از سایر عمارات ممتاز است در جنبین محراب نیز دو سنگ محکوک متضمن سبب بنا  
و تاریخ تعمیر منسوب حیاط دیگر که سمت شرقی چشمه واقع است شش من بنا دارد

شمالا و جنوبا باغچه وسیع دارد و در ضلع سفلی دریاچه که سمت شرقی و محاذی  
 و مقابل عمارت بالاست تالاری بلند و سردری عالی ساخته شده است که از  
 منظر آن باغ و دریاچه و از سمت دیگر صحرا و محسری خروج آب چشمه است و تمام  
 این عمارت و باغ چون زمانی ممتد تعمیر شده بود سابقا علیحضرت جمایونی حکم و مقدر  
 فرموده بودند که پس سالار اعظم در آنها تعمیر می نمایند و قبل از تشریف فرما  
 مویک جمایون با تصفحات مغربی الیه تعمیر آن کوشیده و در حقیقت خیلی آباد  
 و اتمام تعمیر کرده بودند که در انظار چنان معلوم میشد که بنامی جدیدی است  
 و چون هوای این مکان و آب این چشمه در خاطر دریا مقاطر زاید الوصف موقع قبول  
 یافته مقرر شد محض اینکه از وجود مسعود مبارک نیز باقیه سابقه اثری شقی شود و  
 چشمه بنامی تخت و عمارتی گذارده شود و نام راحت مویک مسعود با تمام رسد

### صورت و قفصه و بنامی عمارت

در حینیکه رایات ظفر آیات والویه نصرت علامات پادشاه عدالت پناه  
 و شاهنشاه کردون بارگاه قهرمان الما، والظین ظل البدر فی الارضین الملوید بتاید  
 الملك الجبار ابو النصر فتحلی شاه قاجار خلد الله بکرم تسخیر و تدبیر فرقه ضال او برکبه

ماوراءالنهر از دارا کخدا فرطهران شگفتا کردیده اینمکان دلفروز مجسم خنیا مظهر انجمن  
 پادشاهی شد رای صوابنمای پادشاهی تعلق پذیر کردید که درین منزل از ممالک  
 ساحه آید که راهبر و امرا از تاب آفتاب پناه و از رخ راه آسگاه باشد و وقف  
 صحیح شرعی نمودند این عمارت و کشتار البسرا فیض آثار حضرت صاحب الامر  
 صلوات الله علیه و علی آباء الطاهیرین فی سده هزار و دویست و هفده

ماده تاریخ منظومه مرحوم میرزا صادق و قایع کار مروی  
 متخلص بها

خسر و انجم چشم فحشلی شاهانه است آن شهنشاهی که در نظم جهانمندی نید دولت از عدست باقی منت ایزد که شاکی از قسمت نیایی بیچک را تا بر چون بغرم ماوراءالنهر شد از روی عوار کرد منزل اندرین فرخنده جای با کشت بر یاد زکو و قتی و زیباست	آسمان اورا مطیع و روزگار اورا لیل چشم کرد و پشت نظیر و دیده عقلمش عدیل بر بقای دولت او عدل و محکم لیل همت او زرق مخلوقات ز کفیل پادشاهی ل قوی زیاری رب طلیل شد در فیض مقدمش این چشم رشک سلیل از بایون حکمش این دلکش بنای بی بل
--	--



دورند از خجالت این دلگشا منزل گشته

بست تمام ورقم زو بهر تاریخین هما

این نقش قصر زنگاری کز بر چهره سنبل

این بنا قصبر جنانین چشمه آب سلسیل

تاریخ بنامی مسجد را نیز بدینگونه برشته منظم در آورده

شرفخ لقا فتحعلی شاه آنکه همیشه

شوشا بی که می سایند شایان جان میوم

قضا امر و قدر نبی و پهلوانک و فرافسر

ز قهر و مهر او با عیان در باغ خار و گل

براه موکب او رو بجا ک در که او سر

خلاصی تا دبد جمله اسیرن سلما ترا

زندان وجود او آمد چو خاره خوارسیم وزه

چو این زمینده منزل شد مقر مویک شایسته

تسخیر بخارا بر کشید از ملک می شکر

مقرر داشت تا بر پا شود این مسجد عا

وزان فرخنده آمد طبع شاه معدلت کتر

چه مسجد چو باغ خلد روح افزا و جان پرده

قرار از دل برد محراب آن صحاب تقوی را

محرابا علو طاق آن ایوان کسرا و

ز سقف عالیش کاف و فلک را کوه بر کوه

عرض چون شد تمام ز بهر تاریخین سما کفا

چشمه باد خان دامغانم که اثر عجیب آن در آفاق مشهور است و در اوراق مسطوره